

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فریدون کاوه و پاینده پایمرد

۱۵ نومبر ۲۰۲۱

علیه اخلاق ضد انقلابی

(۱)

"کلیه تنوری های اخلاقی تا کنونی، سرانجام نتیجه شرایط اجتماعی - اقتصادی همان مرحله است. همان طوری که جامعه تا به امروز بر اساس تضاد طبقاتی در حرکت بوده؛ همان طور هم اخلاق، اخلاق طبقاتی بوده و یا تسلط و منافع طبقات حاکمه را توجیه کرده و یا این که هنگامی که طبقه تحت ستم به اندازه کافی قوی بوده، نارضایتی علیه این تسلط و منافع آینده زحمتکش را نمایندگی کرده است".

«ف. انگلس»

۱ - اخلاق انقلابی:

هر چند در اجتماع بشری عناصر و ارزش هائی معینی به مثابه هنجار های مشترک اخلاقی میان طبقات و اقشار اجتماعی مطرح است، اما هنجار های اخلاقی در یک جامعه منقسم به حاکم و محکوم، ستمگر و ستمکش، در جنب سائر اشکال شعور اجتماعی، در شکل یکی از مؤلفه های یک کلیت همگون شامل نگرش فکری، مشی سیاسی، ابزار مبارزاتی و غایت آرمانی، منبعث از هستی اجتماعی طبقات و اقشار اجتماعی است. این موازین و یا "تنوری های اخلاقی" هماهنگ با موضع و منافع طبقاتی، در پیوند نزدیک با مبارزه طبقاتی و در جوامع تحت ستم امپریالیسم با کنش استعماری و رزم ضد استعماری قرار دارد و به قول انگلس، این "تسلط و منافع" متضاد فوق اعم از طبقاتی و استعماری - ضد استعماری را در شرایط اجتماعی - اقتصادی معین، توجیه می کند.

با عطف توجه به منافع متضاد و وجود واقعیت های متضاد اجتماعی - تاریخی در متن نسج اجتماعی، دو روند و گرایش متضاد اجتماعی - تاریخی در جامعه وجود دارد: یکی گرایش مسلط و غالب محافظه کار و رو به گذشته و

دیگری روند غیر مسلط روینده رو به جلو. متناسب با این مواضع متضاد اجتماعی - تاریخی در نسج اجتماع، دو روند فکری، دو فلسفه و دو ایدئولوژی، هر یکی در پیوند معین با وسائل تولید و پراتیک تولیدی و پراتیک مبارزه طبقاتی - کنش استعماری/ضد استعماری؛ نیز در عرصه نبرد ایدئولوژیک به مصاف هم می روند و بخشی از مبارزه طبقاتی و کنش و واکنش استعماری/ضد استعماری را می سازند.

وقوف محکومان و ستمکشان بر وجود عینی این واقعیت های متضاد اجتماعی - تاریخی و پی بردن به رسالت تاریخی پیشتان و ستمکشان جامعه و چگونگی و ابزار آن، رسالت ایدئولوژی یا همان اندیشه انقلابی است. پراتیک انقلابی به مثابه عامل ذهنی حدوث دگرگونی انقلابی، وسیله ایست که اندیشه مبشر تغییر یا همان آگاهی طبقاتی را با آرمان اجتماعی وصل می کند. اخلاق انقلابی که مجموعه هنجار ها و سجایای اخلاقی انسان نوین را در خود نهفته دارد، به مثابه مؤلفه یک سیستم نظام مند فکری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی رسالتش، توجیه شورش و اعتراض و بحق خواندن آن علیه سلطه ستمگران و مطرح کردن مصالح آتی و دورنمای مارش تاریخی ستمکشان است.

بنیادی ترین رکن اخلاق انقلابی در دنیای انقلاب و تشکلات انقلابی که ابزار چنین انقلابی اند، کلکتویسم یا جمعگرایی است و در برابر اندیویدوآلیسم یا فردگرایی منحنی خرد بورژوائی/بورژوائی و مظاهر چند گانه ایدئولوژیک لیبرالیسم در سبک کار تشکیلات و عملکرد و لاقیدی افراد تشکیلاتی، قرار دارد. اساسی ترین رکن اخلاق پیشرو انقلابی همانا " این است که فرد همه هستی خود را در راه مردم، انقلاب و سازمان انقلابی خود وقف کند و آمادگی داشته باشد در تحت هر شرایطی زندگی خود را در خدمت مردم، پیشرفت انقلاب و استحکام سازمان قرار دهد؛" در روند پر از فراز و فرود مبارزه جمعی همواره به خلق، به جمع و سرنوشت جمعی ببیند و پیشرفت موجوار و پیوسته انقلاب اجتماعی و مبارزه رهائیبخش توأم با ارتقای سطح آگاهی، پالایش فکری و کسب سجایای نوین توسط انقلابیون و توده ها؛ مشغله اساسی هر فرد انقلابی باشد. فقط در چنین صورتی است که اخلاق انقلابی به مثابه عامل ذهنی می تواند نقش خود را در اتصال ایدئولوژی انقلابی با آرمان انقلابی و وحدت تئوری انقلابی با پراتیک انقلابی ایفاء کرده و در امر حدوث تغییرات انقلابی و آفرینش ارزش های نوین و متعالی در عرصه های روبنائی و زیربنائی مدد رساند و انقلاب را به جلو سوق دهد و افق روشن فردای تابناک زیر درفش آزادی را به روی ستمکشان در بند ستم و استثمار بگشاید.

نیروی خلاق فرد مبارز ملهم از اخلاق انقلابی، در وحدت تئوری و عمل انقلابی تبارز یافته و در زندگی روزمره و پراتیک اجتماعی بازتاب خود را ارائه می دارد، چنان چه به گفته صدر مائو تسه دون: "در جامعه طبقاتی هر فرد به مثابه عضوی از یک طبقه معین زندگی می کند و هیچ فکر و اندیشه ای نیست که بر آن مهر طبقاتی نخورده باشد".

افراد و تشکل های انقلابی بابت تحقق آرمان های انقلابی، مبارزه متشکل علیه ارتجاع و امپریالیسم را با بسیج توده ها، اتکاء به نیروی لایزال آنها و ارتقای سطح فکری توده های رنج و کار به زیر درفش فکری اندیشه حاکم و ناظر بر این مبارزه دوران ساز، تدارک دیده و سازماندهی می کنند. لذا، اخلاق فرد مبارز به حیث عنصری از یک چوب بست کلی در روند این کارزار سهمگین تاریخی، از آگاهی علمی و باورمندی وی بدان برخاسته و تمامی گفتار، سلوکیات و کردار فرد مبارز از فامیل تا رابطه با همکاران و هم اندیشان در کل اجتماع و در جریان رهنوردی به سوی آرمان مطروحه بازتاب خود را ارائه می دارد.

در مجموع مبارزان انقلابی کشور ما که صادقانه و پاکبازانه قدم در راه انقلابی گذاشتند و اندر این راه برای تبدیل شدن به انسان های تراز نوین جمعگرا، فداکار، پیشتان و اندیشه به خلق، ایدئولوژی و سلوکیات ویژه خرد مالکان را از اندیشه، روش و منش خویش زدودند. تبارز بیرونی این ویژگی های مبارزاتی افراد مبارز در میان توده ها و در کلیت جامعه چنین بود که مبارزان و انقلابیون کشور ما در دوران های مبارزات بورژوا دموکراتیک تراز کهن و نوین از

مشروطه خواهان اول، دوم و سوم مثل مولوی واصف قندهاری، عثمان خان پروانی، محمودی، سرور جویا، و پس از آنان یاری ها، محمودی ها، مجید، "رهبر"، سرمد، شریف، جرأت، پویا، بهمن، رستاخیز، میرویس، فیض احمد، مینا و هزاران راست قامت جاودانه بنام و گمنام مسیر انقلابی و آزادیخواهی کشور... که حتی بنا به اذعان دشمنان طبقاتی، فکری و ملی ما، با همین سجایای عالی و ویژگی های کیفیتاً متشخص انسان پیشتاز، آرمانخواه، ایثارگر و نوین هر مرحله مبارزاتی، شناخته شده و تشخیص یافته اند. چنان چه در نبرد آزادیبخش مردم به پا خاسته ما علیه سوسیال امپریالیسم اشغالگر روسی و مزدوران بومی آن، بسیاری از تنظیم های اخوانی از برخورد و سلوکیات افراد انقلابی می فهمیدند که روش این فرد به اصطلاح خود شان مربوط به نیرو های انقلابی است. هر چند بودند بسا از افرادی که عضویت "س. ج. م" و "جریان شعله جاوید" را نداشتند، اما به "اندیشه پیشرو عصر" اعتقاد و باورمندی راسخ بر بنیاد آگاهی داشتند. با همین تعلق فکری و سجایا و سلوکیات این افراد و هکذا طرز ارائه راه حل مشکلات توسط آنان، بر پایه حدس و گمان و قرینه سازی، بر ایشان همان نسبت داده می شد.

کلیت عملکرد و فعالیت های انقلابی فرد مبارز بر پایه آموزش تئوریک - تجربی فراگرفته استوار بوده و از چشمه سار زلال موازین اخلاق انقلابی طبقات فرو دست جامعه و اخلاق نوین "انسان فردا" آب خورده و از یگانگی غایت آرمانی برخوردار است. از همین رو است که کردار، اخلاقیات، طرز زندگی و اعتقادات راهیان راه انقلابی به سوی آرمان مشترک - ایجاد جامعه نوین فردا - در سطح کشور ها و حتی قاره ها، در مجموع با یک دیگر منطبق می باشد. این بود تبیین فشرده ای از اندیشه و آرمان انقلابی و نقش و جایگاه اخلاق انقلابی در آن میان در روند طولانی توأم با پیروزی و شکست و فراز و فرود مبارزه انقلابی در راستای حدوث دگرگونی های کیفی و ریشه ئی در مناسبات کهن تولیدی و امر دشوار، ولی افتخار آمیز اعمار جامعه نوین بر ویرانه آن.

۲ - اخلاق ضد انقلابی:

جامعه بشری از زمان پرداختن و درگیر شدن انسان به درون ستیزی به جای مهار طبیعت سرکش، بر اساس تضاد طبقاتی در حرکت بوده و در برابر اندیشه، اخلاق و آرمان انقلابی، اندیشه، اخلاق و ایده آل های ضد انقلابی بنا بر نیاز تاریخی دارندگان قدرت اقتصادی، سیاسی و سیطره فرهنگی - ایدئولوژیک، عرض اندام کرده و بازتاب آن در عرصه ایدئولوژیک در جنگ و تقابل اندیشه های متضاد متبارز می شود. اندیشه ضد انقلابی از پایگاه طبقاتی ارتجاعی و امپریالیستی با کاراکتر قهقرائی و یا محافظه کارانه رسالت دارد که از گذشته و حال در برابر آینده، از حالت درجا زدگی در برابر جنبش و از ایستائی در برابر پویائی دفاع کرده و توأم با سائر عناصر روبنائی و ابزار تحمیق و سرکوب، شرایط تداوم ستمگری فرادستان و ستمکشی و بی حقوقی فرودستان را به طور مستمر بازتولید کند. اخلاق ضد انقلابی میان ستمگران، استثمار گران و ورشکستگان ضد انقلابی مشترک است و در مجموع از ایستائی در برابر پویائی و ارتجاع در برابر انقلاب به دفاع می پردازد. این اخلاق ضد انقلابی ستمگران، استثمارگران و تسلیم شدگانی که به نفع استعمار و ارتجاع گذشت تاریخی و ترک سنگر کرده اند، نیز به مثابه رکنی از این چوب بست، رسالت دارد تا تسلط و منافع طبقات حاکمه، ستمگری فرادستان و ستمکشی فرودستان، ایستائی در برابر پویائی و تلاش سیستماتیک برای استمرار شرایط آن را، همراه با روش ها و ابزار تحمیق و سرکوب و وضعیت ولو ناهنجار مسلط و واقعیت فاسد کنونی را تقدیس و توجیه کند.

از آغاز تقسیم جامعه به طبقات حاکم و محکوم تا این زمان، تقابل میان اندیشه های متضاد انقلابی و ضد انقلابی و به سبب آن، میان موازین اخلاقی پیشرو نیرو های انقلابی و بالنده تاریخ و ارزش ها و هنجار های پوسیده ستمگران مرتجع و محافظه کار و موازین ضد انقلابی که ستم، استثمار، غارت، ارتداد، سجود، بیراهه روی از مسیرت انقلابی، مسخ و انحراف ایدئولوژیک، تسلیم طلبی ملی و طبقاتی، خیانت ملی و تاریخی، اپورتونیزم، معامله گری، رفیق فروشی و زراندوزی را توجیه می کند؛ در عرصه های نبرد ایدئولوژیک و تقابل اخلاقی، به مثابه یکی از سه شکل مبارزه طبقاتی (اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک) میان طبقات حاکم و محکوم، میان تسلیم شدگان و شورشگران و میان منادیان آزادی و انقیاد، در جریان بوده است.

زوج های متضاد فلسفی و سیاسی "شورش و تسلیم"، "انقلاب و ارتجاع"، "آزادی و اسارت"، "صعود و سجود"، "قیام و قعود"، "استبداد و دموکراسی" و "ایستائی و پویائی" تبارزی از ارزش های فکری - سیاسی و کنش ها و واکنش ها و اهداف متضاد است که هر یکی در روشنائی اندیشه های طبقاتی و از پایگاه های ارتجاعی، محافظه کار و ضد انقلابی یا پیشرو و انقلابی در راستای ایستائی یا پویائی و اهداف و دورنمای متناسب با این پایه های متعارض اجتماعی، موارد انحرافی تذکر رفته در پاراگراف بالا را یا توجیه و یا تقبیح می کنند.

در این مختصر از میان این زوج های متضاد، تنها تفکر و کنش متعارض "شورش و تسلیم" را به گونه تطبیقی و فشرده بررسی کرده و در روشنائی آن، بررسی در مورد زوج های مشابه دیگر را به خوانندگان ارجمند حواله می دهیم:

همان گونه که شورش و طغیان در برابر ستم، استثمار و تبعیض، سرکوب و غارتگری نیرو های ارتجاعی - امپریالیستی رسالت اندیشه های زنجیرگسل انقلابی و آزادیخواه و نیرو های عامل و حامل این اندیشه ها است؛ به همان سبب اخلاق انقلابی انسان های نوین شورش در برابر مرتجعان را توجیه کرده و خواستار پایان دادن به شرایطی است که ستم، استثمار و سرکوب طبقات حاکمه ارتجاعی و امپریالیسم و در مجموع استثمار انسان از انسان را بازتولید می کند. از منظر اخلاق انقلابی استفاده معقول از تمامی اشکال، روش ها و ابزار شریفانه مبارزاتی برای رهائی ملی و اجتماعی تمام خلق های زحمتکش و تحت ستم گیتی از بند سلطه، ستم و استثمار بورژوازی امپریالیستی و سائر طبقات استثمارگر، توجیه پذیر است. با همین دورنمای بری از ستم و استثمار و امپریالیسم و ارتجاع، هم وحدت طبقاتی زحمتکشان در مقیاس کشوری و فراملی مطرح شده و هم اندیشه ها، روش ها و ارزش های میهن پرستانه و انترناسیونالیستی جایگاه رفیعی یافته و جمع گرائی و اندیشه به خلق برای تضمین پیشروی انقلاب، رکن اساسی آن را می سازد.

به عکس، تسلیم و رضا در برابر ستم، استثمار و تبعیض، سرکوب و غارتگری نیرو های ارتجاعی - امپریالیستی و تحمیل معنوی توده های رنج و کار، رسالت ایدئولوژی های ضد انقلابی و نیرو های ارتجاعی عامل و حامل این ایدئولوژی ها است؛ به همان سبب اخلاق ضد انقلابی نیرو های میرنده تاریخ و کلیه منحرفان از مسیرت انقلاب و آزادیخواهی همه اشکال و ابزار تعدی، تجاوز، تحمیل، سکوت و رضا در برابر اجحاف، ستم و بهره کشی و غارت منابع خلق ها را توجیه کرده و در خدمت شرایطی است که ستمگری، بهره کشی و سرکوبگری و تاراجگری طبقات حاکمه ارتجاعی و امپریالیسم و در مجموع استثمار انسان از انسان را بازتولید می کند. از منظر اخلاق ضد انقلابی مرتجعان و ضد انقلابیون، هدف وسیله را توجیه می کند و کلیه وسائل و روش های غیر شریفانه از قبیل مانع تراشی، تخریب، سبوتاژ، ترور و... که در خدمت اهداف غیر شریفانه اند، قابل توجیه بوده و کاربرد آن از منظر اخلاق ضد انقلابی مرتجعان و منحرفان مانعی ندارد. در نتیجه، استفاده از تمامی اشکال، روش ها و ابزار غیر شریفانه مبارزاتی

برای تداوم ستمکشی ملی و اجتماعی تمام خلق های زحمتکش و تحت ستم گیتی همراه با ستم و استثمار بورژوازی
امپریالیستی و سائر طبقات استثمارگر و سرکوب خونین، تخریب و بدنام سازی ذوات و حرکت های انقلابی و
آزادیخواهانه توجیه پذیر است.
ادامه در بخش دوم